



## جهان(های) ممکن در زبان سعدی

علی دانشورکیان<sup>۱</sup> 

گوهرشاد بوذرجمهر<sup>۲</sup> 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۶

10.22080/rjls.2024.27238.1477

### چکیده

ما در این جهان از چیزهایی می‌گوییم که هستند یا بوده‌اند مانند «کَهکشان»، «اقیانوس»، «کریم‌خان» و با خود می‌گوییم، چیزهایی که می‌شناسیم لیکن در اطراف‌مان نیستند یا نبوده‌اند چه می‌شود. مانند «رستم»، «سوپرمن»، «کوه قاف» و نیز باورهایی که روزگاری درست (صادق) پنداشته می‌شده مانند «خشم خدایان» و «گردش زمین به گرد خورشید» و امروز نادرست (کاذب) است.

از جهان مثل افلاطون تا کنون که بیست و شش سده می‌گذرد، انسان اندیشمند همواره درگیر جهان (های) ممکن بوده و هست. شکل امروزی جهان ممکن، بسته به آرای لایپ نیتس فیلسوف آلمانی و سول کریپکی فیلسوف آمریکایی است که می‌گویند می‌توان از راه جهان واقع پیرامونی، جهان ممکن پدید آورد که درون مایه‌اش گریز از جهان واقع باشد. آنچه در قرن هفدهم با رویکردی جدید از سوی لایپ نیتس مطرح شد و مورد توجه فلاسفه پس از او چون سول کریپکی و دیگران قرار گرفته است اندک اندک به صورت نظریه‌ای بینارشته‌ای در علوم مختلف در آمد.

در تاریخ تمدن و فرهنگ بشر بسیاری از اندیشمندان کوشیده‌اند برای دستیابی به یک جامعه‌ی آرمانی و مطلوب راهکارهایی را در قالب بایدها و نبایدها و شاخص‌های والای انسانی ارائه دهند. در میان این اندیشمندان که به جهان ممکن برای پرورش انسان و ساختن جامعه‌ای مطلوب می‌اندیشیده‌اند، نام سعدی شیرازی می‌درخشد. او با زبانی استوار و ساده و بیانی جذاب و تأثیرگذار در گلستان و بوستان، چشم‌انداز زندگی شایسته‌ی مردمان و راه نیک‌بختی ایشان را در سطحی ممتاز از شعر و حکایت روایت کرده است. این مقاله بر مبنای آرای فلسفی و زبانی یادشده می‌کوشد با تحلیل متن و کاوش جهان واقع اندیشه‌ی سعدی در بوستان و گلستان به جهان(های) ممکن نهفته در فرا متن راه جوید. جهان (های) ممکن که به باور رساندن و هدایت جامعه به آن هدف و آرمان خردگرایان و اندیشه‌ورزان و حکیمان در مسیر تاریخ بوده و هست. این پژوهش، حاصل تحقیق بر جهان ممکن در زبان سعدی در دو اثر او گلستان و بوستان است که با روش توصیفی تحلیلی و مطالعه‌ی کتابخانه‌ای در این فرآیند پیکربندی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** جهان ممکن، جهان واقع، دنیای موازی، سعدی، بوستان، گلستان.

daneshvarkiyani@ut.ac.ir

<sup>۱</sup> . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

<sup>۲</sup> . دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران. رایانامه: gbouzarjomehr@gmail.com

## ۱- مقدمه

نورتایی از جهان واقع به جهان ممکن قدمتی ژرف دارد. از زمانی که افلاطون در رساله‌هایش به جهان مُثُل اشاره می‌کند تا امروز نزدیک به بیست و شش قرن است که انسان اندیشمند همواره درگیر کاوش جهان‌های ممکن بوده و هست. (صفوی، ۱۳۹۱: ۴۰۱)؛ اندیشه‌ی جهان ممکن از زمان افلاطون تاکنون معانی و تعابیر مختلف پذیرفته است. او نخست از کلمه‌ی یونانی ایده *idea* به معنای دیدن استفاده کرده و زمانی هم که از اصطلاح مُثُل استفاده کرد بر این عقیده بود که محسوسات وجود دارند، اما چون فانی هستند، واقعی نیستند. تنها چیزی که ماندگار است و دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شود، مُثُل است و بر این باور بود که تمام اشیای مادی ذاتی مجرد و حقیقتی متعالی دارند که هرگز این حقیقت زوال نمی‌پذیرد و دگرگونی پیدا نمی‌کند. (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۴۳)؛ از قرن هفدهم نیز موضوع جهان‌های ممکن با اهدافی جدید مورد نظر نظریه‌پردازان قرار گرفته است. جان لاینز John Lyons زبان‌شناس انگلیسی می‌گوید: «انگار معنی‌شناسی صوری قرار است الگوهای باز نمود ذهن انسانی را نسبت به جهان خارج معلوم کند.» (لاینز، ۱۳۹۱: ۳۳۲)

باری، این پژوهش جهان ممکن را بر اساس نظریه‌های ادبی و ابزارهای زبان‌شناسی در متن و فرامتن گلستان و بوستان بررسی می‌کند. هرچند در پاره‌ای از موارد با آرمان‌شهر هم‌پوشانی دارد اما هدف‌اش بررسی آرمان‌شهر در زبان سعدی نیست زیرا آرمان‌شهر و مدینه‌ی فاضله که همواره آرزوی بشر بوده و در طول تاریخ نویسندگان بزرگی آن را به تصویر کشیده‌اند کمتر به تحقق رسیده است. در نگاه سعدی که بازتاب درست فرهنگ ایرانی است رسیدن به جهان ممکن، ممکن است. جهان ممکن که به آرمان‌شهر نزدیک است، اما آرزوی بیهوده و دور از واقعیت نیست. سعدی جامعه‌ی جهان واقع زمان خود را درک کرده و از آن الهام گرفته تا جهان ممکن را در اندیشه‌ی ایشان پروراند. زبان و اندیشه‌ی او در پی تحقق جهانی است که کمال انسان و حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم در آن گرامی داشته می‌شود. جهان ممکن سعدی بستر توسعه‌ی انسانی است.

افلاطون از تحقق مدینه‌ی فاضله‌ای که به تصویر کشیده است، ناامید است: «جامعه‌ای که ما توصیف کرده‌ایم هرگز نمی‌تواند به واقعیت درآید و پایانی برای مشکلات دولت‌ها یا خود بشریت باشد، مگر اینکه فیلسوفان در این جهان پادشاه شوند یا آن‌هایی که اکنون پادشاه یا فرمانروا می‌خوانیم واقعاً و به‌راستی فیلسوف شوند.» (هابز، انجی، ۱۳۹۸: ۶۹) اما کریپکی Saul Aaron Kripke (فیلسوف و منطق دان آمریکایی که در سال ۲۰۰۱ برنده‌ی بخش فلسفه‌ی جایزه‌ی رولف شاک شد که معادل جایزه نوبل است) می‌گوید: جهان ممکن، وضعیتی دیگر یا شکلی دیگر از جهان است که احتمال رونمایی از آن وجود دارد. جامعه‌ی بشری در صد سال گذشته تغییراتی داشته که با گذشته‌ی آن کاملاً متفاوت است

و می‌توان گفت جهانی ممکن روی نموده است. او در ترسیم جهان ممکن مثالی می‌آورد: اگر دو تاس شش وجهی که در مجموع سی و شش احتمال را با یکدیگر تشکیل می‌دهند بیاندازیم، تنها یک احتمال ممکن است محقق شود. اما یک احتمال که محقق شده است در کنار سی و پنج احتمال دیگری که ممکن بود روی دهد سی و شش حالت انتزاعی را تشکیل می‌دهد لیکن تنها یکی از آن حالات روی داده است. پس جهان ممکن شیوه و گونه‌هایی است که اشیاء می‌توانند به آن گونه باشند (راغبی/ رضایی، ۱۳۹۸: ۱۵). کرپکی می‌افزاید: یک جهان ممکن یک سرزمین دور اوفتاده نیست که ما آن را کشف کنیم یا با یک تلسکوپ آن را ببینیم، جهان ممکن فرض می‌شود نه آنکه با تلسکوپ قوی کشف شود. (سعیدی مهر، ۱۳۸۳: ۸۷)

از نگاه لایب نیتس Gottfried Wilhelm Leibniz (فیلسوف، منطق‌دان، ریاضی‌دان و دیپلمات آلمانی ۱۷۱۶-۱۶۴۶)؛ اما شرط تحقق جهان‌های ممکن، جهت کافی یا شایستگی‌ای است که آن جهان باید برای تحقق داشته باشد. (لایب نیتس، ۱۳۹۸: ۱۵۳ تا ۱۵۰)؛ در این رویکرد، جهت کافی برای تحقق جهان ممکن عدالت‌مدار، وجود حاکمی است که برای برپایی عدالت از ریزترین بی‌انصافی‌ها می‌پرهیزد و خود الگوی مردمی می‌شود که بر آنان حکومت می‌کند.

#### ۱-۱- بیان مسأله

ما در این جهان از چیزهایی می‌گوییم که هستند یا بوده‌اند، کهکشان راه شیری، بیستون و خلیج فارس بوده و هستند لیکن رخس، سیمرغ و سوپرمن و چیزهای دیگری که بودن و هستن‌شان در پرده است چه؟ جهان ممکن از دیرباز از افلاطون تا کنون انسان اندیشمند را درگیر خود کرده است و امروزه می‌کوشد تا ثابت کند راستی و ناراستی (صدق و کذب) جمله‌ها بسته به جهان‌های ممکن است. با این وصف انگار قرار است متن ادبی در جهانی غیر از جهان واقع درک شود البته نه بدین معنی که هر چه در جهان ممکن غیر از جهان اطراف‌مان درک می‌شود، متن ادبی به شمار می‌رود. اکنون به این پرسش بر می‌خوریم که چه‌را حکایتی که در گلستان یا بوستان آمده، متن ادبی می‌دانیم. جهان‌های سعدی کدام‌اند؟ (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۰۵) برای پاسخ به این پرسش از یادآوری این نکته‌ی مهم گزیر نیست که زبان، پیکره‌ی ادبیات است و تنها با سلول‌های زنده‌ی زبان فارسی است که می‌توان به بافت بالنده و ممکن آن دست یافت و از آن لذت برد و زندگی کرد و تکامل یافت. زبان سعدی، بالنده‌ترین بافتی است که می‌توانیم درباره‌ی آن حرف بزنیم. (دانشور کیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲)

این پژوهش می‌خواهد زبان سعدی را از راه کشف جهان‌های ممکن او کاوش کند و این که رابطه‌ی میان متن ادبی و جهان واقع چیست؟ از این‌رو به دیدگاه دو دسته از نظریه‌پردازان (تحقق‌گرایان و تجردگرایان) و برخی فیلسوفان ایرانی در مورد جهان ممکن پرداخته شده است. از سویی دیگر به نظریه‌ی

جهان موازی که اشتراکات لفظی (چند جهانی) با بعضی از نظریه‌ها در مورد جهان‌های ممکن دارد نیم-نگاهی شده است.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌ها و روش پژوهش

-جهان ممکن چیست و رابطه‌اش با جهان واقع چگونه است؟

-پیشینه‌ی گفتار درباره‌ی جهان ممکن و شکل امروزی آن تا کجا و چگونه است؟

-گذر از جهان واقع به جهان ممکن دور از دسترس چرا و چگونه جاذبیت یافته است؟

-متن -در این جا گلستان و بوستان- در جهان واقع دست می‌دهد یا جهان ممکن؟

-زبان ادب در جهان ممکن غیر از جهان واقعیت‌های اطراف مان درک می‌شود.

-شکل بندی و نوع انتخاب و ترکیب نشانه‌ها در گذر ما از جهان واقع به جهان ممکن می‌تواند دخیل

باشند.

-هنجار گریزی می‌تواند عاملی برای تشخیص این نکته به حساب آید که درک در جهان ممکن غیر

از جهان واقعیت‌های اطراف مان تحقق می‌یابد. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۲۵)

روش این پژوهش، کتاب‌خانه‌ای و بر مبنای خواندن و تحلیل متن (گلستان و بوستان) است. در این

میان، راهبردهای زبانی و ساختاری و نگاه کاربردی به فرهنگ و تمدن به عنوان زمینه‌ی آفرینش ادبی

همواره مد نظر است.

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش

در مطالعات ادبی، پژوهش‌هایی بر معیارهای زبان‌شناسی و نظریه‌های ادبی با موضوع جهان‌های ممکن

در قالب کتاب و مقاله انجام شده است که نمونه‌هایی از آن در پی می‌آید:

۱-۳-۱- کتاب:

\_ جهان مطلوب سعدی در بوستان / غلام‌حسین یوسفی / ۱۳۶۸، عنوان مقدمه‌ی مفصلی است که

غلام‌حسین یوسفی بر تصحیح بوستان سعدی نوشته است: پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان بیش از

دیگر آثار او جلوه‌گر است. به عبارت دیگر، سعدی مدینه‌ی فاضله‌ای را که می‌جسته، در بوستان

تصویر کرده است. در این کتاب پرمغز، از دنیای واقعی - که آکنده است از زشتی و زیبایی، تاریکی و

روشنی و بیشتر اسیر تباهی و شقاوت است - کمتر سخن می‌رود، بلکه جهان بوستان همه نیکی است و

پاکی و دادگری و انسانیت یعنی عالم چنانکه باید باشد و به قول مولوی شربت اندر شربت است.

(یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۷)؛ می‌توان گفت ایده‌ی جهان ممکن در نقد ادبی نو زبان و ادبیات فارسی، مرهون

نظریات نانوشته‌ی غلام‌حسین یوسفی و مظاهر مصفا است.



— کتاب آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی / کوروش صفوی/ ۱۳۹۱ این کتاب همان‌گونه که از نام‌اش پیدا است، حاوی نخستین و کامل‌ترین راه‌کارهای هم‌افزایی دانش زبان و ادبیات در زبان فارسی است. سرفصل‌هایی چون نظام زبان، کاربردشناسی زبان فارسی، نشانه‌شناسی، زبان ادب، تحلیل متن، تخیل در متن و سبک‌شناسی، مباحثی است که خواننده را در درک درست از جهان واقع و ممکن (صفوی، ۱۳۹۱:۳۹۹) یاری می‌رساند.

— کتاب عمل‌کرد نشانه زبان در آفرینش متن ادبی / کورش صفوی/ ۱۳۸۸ نویسنده در این کتاب به چگونگی عمل‌کرد نشانه‌های زبان در آفرینش ادبی پرداخته است. برای دستیابی به این هدف، ابتدا به معرفی نشانه زبان به مثابه واحد نظام زبان توجه کرده است و سپس برحسب مفروضات بحثی درباره‌ی شیوه‌ی حضور نشانه‌ی زبان در خلقت ادبی پیش کشیده است.

— کتاب درباره ادبیات و نقد ادبی / میرخسرو فرشید ورد / ۱۳۸۲ نویسنده شکل‌ها و قالب‌های آثار زبانی و ادبی مبتنی بر نوآوری و زیبایی و کیفیت را در نتیجه‌های دست‌رسی به جهان(های) ممکن و نقد الهام گرفته از تجربه‌ی جهانی فیلسوفان و زبان‌شناسان و شاعران و نویسندگان پیشین و پسین جهان را تنها راه دستیابی به نوآوری و کیفیت و زیبایی و پرهیز از تکرار آسیب‌زا می‌داند. در این نگاه نوآوری با حفظ بنیان‌های پیشین صورت می‌پذیرد و راه توسعه‌ی جهان(های) ممکن با استحکام و استمرار و البته اصلاح و روزآمدسازی بنیان‌های میراث فکری پیشینیان و پرهیز از نگاه براندازانه، امکان‌پذیر است. (فرشیدورد، ۱۳۸۲:۱۹۶، ۱۵۸)

— کتاب سبک‌شناسی / سیروس شمیسا / ۱۳۹۸ مجموعه‌ی سه جلدی سبک‌شناسی از آثاری است که ابزار کاربردی پژوهش‌گران زبان و ادبیات فارسی در سه دهه‌ی گذشته بوده و هست.

— کتاب نشانه‌شناسی و ادبیات/ فرزانه سجودی/ ۱۳۸۴ محتوای این کتاب منتخبی از مقاله‌هایی است که نویسنده در حوزه‌های نشانه‌شناسی و ادبیات نوشته و در مجلات و فصل‌نامه‌های مختلف به چاپ رسانده است. برخی از این مقاله‌ها عبارت‌اند از: درآمدی بر نشانه‌شناسی/ نقد گونه‌های ادبی/ نشانه‌شناسی ادبیات و نگاهی تازه به ترجمه‌ی ادبی/ درآمدی بر نشانه‌شناسی در شعر فارسی/ ادبیات کلاسیک در آستانه‌ی عصر جدید/ شعر: دیالکتیک نشانه و ضد نشانه/ معنا، نامعنا و کثرت معنا. (سجودی، ۱۳۸۴:پیش‌گفتار)

— کتاب نظریه و نقد ادبی / حسین پاینده/ ۱۳۹۷ که از راه شناساندن نظریه‌های علمی نقد ادبی و نحوه‌ی کاربرد عملی آن‌ها مجموعه‌ای از پُرکاربردترین نظریه‌های نقادانه را به پژوهشگران این حوزه می‌شناساند. برخی از این نظریه‌ها عبارت‌اند از: فرمالیسم (نقد نو)، روانکاوی، ساختارگرایی،

روایت‌شناسی، نقد اسطوره‌ای-کهن‌الگویی، تاریخ‌گرایی نوین، مطالعات زنان، نشانه‌شناسی شعر، پسامدرنیسم، مطالعات فرهنگی. (پاینده، ۱۳۹۷:۱۹)

۱-۳-۲- مقاله:

\_\_ اختیار و جهان‌های ممکن از دیدگاه لایب‌نیس / محمدعلی اژه‌ای و امرالله معین / ۱۳۸۵ این مقاله می‌کوشد که پس از بیان پیشینه‌ی بحث، اصول کلی فلسفه لایب‌نیس را که با این مسأله در ارتباط است مطرح و تحلیل کند و با بیان اشکالات مطروحه در اختیار به راه‌های ارائه شده از سوی لایب‌نیس پردازد سپس راه حل نظریه‌ی جهان‌های ممکن را به طور خاص بررسی کند و در پایان نشان دهد که او تا چه میزان توانسته است بر این مشکلات چیره شود. (اژه‌ای و معین، ۱۳۸۵:۲۶-۲۵)

\_\_ تک‌جهانی یا چندجهانی از نظر برخی اندیشمندان مسلمان متقدم / علی‌رضا سبحانی و مهدی گلشنی / ۱۳۹۳ این مقاله با بازخوانی مبانی فکری برخی از متفکران اسلامی متقدم به برخی پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: با الکندی (قرن سوم هجری) از معتقدان به تک‌جهانی و حدوث عالم، آغاز کرده در پی آن به بیان عقاید ابونصر فارابی و ابن سینا از طرف‌داران تک‌جهانی و قدم عالم و نامتناهی بودن زمان پرداخته سپس از یک‌سو نظریات ابوریحان بیرونی درباره‌ی حدوث عالم و تعدد جهان‌ها را از خلال پرسش‌ها و پاسخ‌های صورت گرفته میان او و ابن سینا بیان و از سوی دیگر عقاید ابوحامد غزالی که از طرف‌داران نامتناهی بودن زمان و حادث بودن عالم است را مطرح می‌کند و نظریه‌ی جهان‌های ممکن وی را ارائه می‌دهد. در پایان هم آرای امام فخر رازی (متکلم قرن هفتم هجری) درباره‌ی حدوث عالم و امکان و وجوب موجودات در ذات خود را بیان کرده و به موضوع چندجهانی در نگاه او می‌پردازد. (سبحانی و گلشنی، ۱۳۹۳:۱۱۲)

\_\_ معنی‌شناسی روایت، منطق موجهات و جهان‌های ممکن داستانی / سمیرا بامشکی / ۱۴۰۰ / که می‌گوید نظریه‌ی جهان‌های ممکن، الگویی برای معنی‌شناسی روایت ارائه می‌کند. این مقاله بر کاربرد نظریه‌ی جهان‌های ممکن در معنی‌شناسی روایت با رویکردی بینارشته‌ای تمرکز دارد. فهم روایت بر اساس دیدگاه جهان‌های ممکن هدف و نتیجه‌ی عمده‌ای است که این مقاله در پی تبیین آن است. در این نظرگاه، پی‌رنگ تنها عبارت از جهان واقعی متنی نیست که رویدادهایی در آن رخ می‌دهد بلکه شامل جهان‌های ممکن است که بدون لحاظ کردن آنها، معنی‌شناسی روایت ناقص خواهد ماند. چنین دیدگاهی برگرفته از دلالت‌شناسی منطق موجهات است. بنابراین، برای تبیین این دیدگاه باید به منطق موجهات توجه داشت. نظریه‌های معنایی معاصر سه شاخه‌ی عمده دارد: معنی‌شناسی فلسفی، منطقی و زبانی. معنی‌شناسی زبانی از معنی‌شناسی صوری یا منطقی به مثابه‌ی یک منطق معنایی برای چگونگی مطالعه‌ی معنی استفاده می‌کند. (بامشکی، ۱۴۰۰:۱۴۹)



\_\_ دنیاهای محتمل در ساختار روایی مثنوی معنوی/ زینب حاج ابو کهکی و دیگران ۱۳۹۸/ این مقاله با دیدی زبان‌شناختی و سبک‌شناختی به بررسی دنیاهای محتمل در ساختار روایی مثنوی (دژ هوش ربا) می‌پردازد و استدلال می‌کند که یکی از ابزارهایی که سبک‌شناسی شناختی برای بررسی این نوع از پیوندها پیشنهاد می‌دهد، نظریه‌ی دنیاهای محتمل است و آن را چارچوبی می‌داند که ضریب صحت قضایا را برکنار از اینکه در جهان واقعی صحت دارند یا نه، تعیین می‌کند. این مقاله می‌افزاید: نخستین بار لایب‌نیتس، اصطلاح دنیاهای محتمل را به کار برد و می‌گفت خداوند از بی‌نهایت دنیاهای محتمل یکی از بهترین آنها را برای دنیای واقعی انتخاب کرده است. پس هر واقعیتی می‌تواند از چندین دنیای محتمل تشکیل شده باشد، این واقعیت می‌تواند شامل همه چیز و همه کس باشد. (حاج ابو کهکی و دیگران، ۱۱۸:۱۳۹۸)

\_\_ منطق‌الطیر و موضوع سفر در زمان یا سفر در جهان‌های موازی در فیزیک نوین/ لیلیا غلام‌پور آهنگر کلایی و دیگران/۱۳۹۷/ یکی از پژوهش‌های متفاوت در این زمینه است و می‌گوید: طبق تفسیر مکانیک کوانتومی همه‌ی جهان‌های ممکن در همین لحظه با ما در حال هم‌زیستی‌اند. این حقایق کوانتومی در همان اتاقی که در آن زندگی می‌کنیم وجود دارند، اما چرا آنها را نمی‌بینیم؟ زیرا این امواج دیگر، با امواج ما هم‌فاز نیستند؛ از این رو جهان‌های موازی اندیشه‌ی وجود یک «خودِ دیگر» نظیر «خودِ ما» است که شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، اما مشاهدات نجومی این اندیشه‌ی متافیزیکی را تأیید می‌کند و اشاره می‌کند که عطار نیشابوری قرن‌ها پیش در آثارش به وجود جهان‌های بی‌شمار دیگری اشاره کرده است:

چه می‌گویم که عالم صد هزاران و رای هر دو عالم می‌توان دید (غلام‌پور و دیگران/۱۳۹۷:۱۱۹)

\_\_ مقاله: جهان‌های موازی و معنی‌شناسی روایت/ سمیرا بامشکی ۱۳۹۵/ با این برداشت که ایده‌ی چندجهانی و مفهوم واقعیات چندگانه یا اینکه واقعیت شامل تکثر جهان‌های چندگانه می‌شود، در فیزیک با نام جهان‌های موازی و در نظریه‌ی ادبی با نام جهان‌های ممکن مطرح است. ارتباط چنین طرح هستی‌شناسی‌ای با روایت در این است که خواننده با فهم پیشینی از این طرح هستی‌شناسی چندجهانی و مفهوم واقعیات چندگانه می‌تواند تضادهای موجود در پی‌رنگ برخی روایات را توجیه و تبیین عقلانی کند. برخی از روایت‌ها این مفهوم را که جهان‌های موازی به‌طور عینی وجود دارند القاء می‌کنند که به اتخاذ طرح هستی‌شناسی کوانتومی از سوی خواننده می‌انجامد. (بامشکی، ۹۲:۱۳۹۵)

\_\_ مقاله: جهان‌های ممکن، بررسی دیدگاه سول کریپکی، الوین پلانتینگا و دیوید لوئیس/ محمد سعیدی مهر ۱۳۸۳/ این مقاله به بررسی فشرده‌ی دیدگاه پاره‌ای از فیلسوفان تحلیلی معاصر درباره‌ی جهان‌های ممکن و ویژگی‌های آن می‌پردازد. از این رو ابتدا به دیدگاه‌های متافیزیکی کریپکی، درباره‌ی

چیستی جهان‌های ممکن و آنگاه به طرح دو رویکرد عمده به مسأله‌ی جهان‌های ممکن با عنوان تحقیق-گرایی و انتزاع‌گرایی می‌پردازد. نویسنده در این راه، دیدگاه نافذترین نماینده‌ی تحقیق‌گرایی دیوید لوئیس David Lewis فیلسوف تحلیلی نیمه‌ی دوم قرن بیستم آمریکا و نماینده‌ی شاخص انتزاع‌گرایی الوین پلانتینگا Alvin Plantinga را مورد بررسی قرار داده است. (سعیدی مهر، ۱۳۸۳: ۸۱)

## ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

جهان ممکن جهانی است که انسان در اندیشه، خیال، آرزو و اهداف خود به آن پرداخته است. با توجه به نظریه‌ی مثل افلاطون، به نظر می‌رسد که نظریه‌ی جهان ممکن، ریشه در آرای افلاطون دارد. او تصورات ذهنی را جهان واقعی در نظر می‌گرفت و مصداق آن‌ها در جهان واقعیت و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را سایه‌های آن صور واقعی می‌دانست.

مقصود از عالم مثل افلاطون این است که همه‌ی موجوداتی که در طبیعت هستند دارای یک مثال در عالم معقول هستند و هر موجودی از هر نوعی، وجود و هستی خود را از مثل می‌گیرد، مثلاً هر یک از ما انسان‌ها وجود خود را در نوع انسان معنا می‌کنیم و از آن بهره‌مند می‌شویم. افلاطون، این عالم معقول را عالم ایده‌ها (مثل) نامیده است. (صانعی دره بیدی، ۱۴۰۰: ۲۶۲)؛ ایده idea هم که افلاطون به فلسفه آورد به معنای ذات مجرد یا حقیقت متعالی و فوق طبیعی اشیا است و اینکه همه‌ی موجودات از صورتی مجرد برخوردار هستند. (همان، ۱۴۰۰، ۵۴)

جهان ممکن که امروزه در جایگاه یک نظریه‌ی بینارشته‌ای مورد توجه پژوهشگران است نخستین بار از سوی لایب نیتس (Gottfried Wilhelm Leibniz (1646-1716)، فیلسوف آلمانی سده‌ی هفدهم مطرح شد و سپس مورد توجه فیلسوفان قرار گرفت که در این میان، دیدگاه سول کریپکی و پلنتینگا فیلسوف آمریکایی قرن بیستم و ایده پرداز و دکتر در فلسفه‌ی دین و همچنین دیوید لوئیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته این نظریه‌پردازان در مورد جهان ممکن، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بعضی از آن‌ها جهان ممکن را جهان تحقیق‌یافته می‌دانند و بعضی دیگر آن را جهان فرضی می‌دانند که ممکن است، تحقیق پیدا کند و البته جهان واقعی را نیز جهان ممکن می‌دانند که تحقیق یافته است.

لایب نیتس (۱۳۹۸: ۶۴) در مقابل عالم مثل از مونااد monad - جوهرهای بسیطی که اشیاء از ترکیب آنها به وجود می‌آید و اساس این جوهرها آگاهی و ادراک است - نام می‌برد و می‌گوید: جز مونااد هیچ چیزی در عالم وجود ندارد و آنچه ما آن را ماده می‌نامیم تصویر یا نمایش‌هایی از مونااد است. و تحت تأثیر آرای افلاطون در مورد عالم مثل موجودات را به دو دسته‌ی نور و سایه تقسیم می‌کند. او خدا و نفوس را از جنس نور می‌داند و اشیاء و اجسام را سایه. او معتقد است که تمام دانش بشر در مورد سایه‌ها است، بشر در دانش تاریخ، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی و... مهارت پیدا می‌کند می‌آموزد و آموزش



می‌دهد لیکن این‌ها همه سایه‌اند و در این سایه‌ها نور وجود ندارد. اجسام از خود نوری ندارند و مانند نفوس، موجوداتی قائم به ذات نیستند، بلکه تحت تأثیر نور و تابش آن به وجود آمده‌اند. (صانعی دره بیدی، ۱۴۰۰: ۷۳)؛ از نگاه لایب نیتس، شرط تحقق جهان‌های ممکن، جهت کافی یا شایستگی‌ای است که آن جهان برای تحقق باید داشته باشد. (لایب نیتس، ۱۳۹۸: ۱۵۳ تا ۱۵۰)

کریپکی، جهان ممکن را وضعیتی دیگر از جهان می‌داند که در آن‌جا جهان می‌تواند به گونه‌ای دیگر باشد. (کریپکی، ۱۳۹۹: ۲۰-۱۷)؛ سعدی هم درست همان جهان دیگر را طلب می‌کند که جهان حاکمیت اخلاق است. او برای تبیین اندیشه‌ی خود، منشوری از اخلاقیات را در قالب اشعار و حکایات بیان می‌کند. نتیجه‌ی مفاهیمی که از جهان ممکن او درک می‌شود، ترغیب انسان به اندیشه نیک، سخن نیک و پسندیده و رفتاری بشردوستانه و خداپسندانه است. او در پی جهانی است که مردم آن تلاش کنند تا در ابتدا درون خود را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها پاک کنند و به صفات پسندیده و نیکو بیارایند و سپس در تراکنش زیستی خود به کار گیرند. البته گاهی جهان سعدی با آرمان‌شهر هم‌پوشانی دارد و هدف این پژوهش نشان دادن اندیشه‌ی آرمان‌شهری او نیست، بلکه جهان ممکن را در زبان او جستجو می‌کند. آرمان‌شهر از زمان افلاطون تا امروز بوده و بعضی از آرزوهای بشر در طول زمان و در بعضی از جوامع به نتیجه رسیده است، اما همه‌ی آن‌ها نتوانسته به تحقق برسند. هرچند افلاطون در کتاب جمهور از زبان سقراط آرمان‌شهرها را زاینده‌ی خیال انسان می‌داند و مطمئن نیست که این طرح‌ها عملی شود. (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

از سویی دیگر دیدگاه‌ها هم در مورد چیستی جهان ممکن متفاوت است. لایب نیتس جهان ممکن را بی‌نهایت می‌داند و جهان فعلی را بهترین جهان ممکن می‌داند که خداوند آفریده است. دیوید لوئیس همه‌ی جهان‌های ممکن را محقق می‌داند و می‌گوید: از نظر نوع با جهان فعلی واقعی یکی هستند و تنها از نظر اشیاء و اموری که در آن‌ها می‌گذرد، متفاوت هستند. صفوی (۱۳۹۹: ۴۰۱)؛ می‌گوید: بحث در مورد جهان‌های ممکن به زمان‌های بسیار دور برمی‌گردد. از زمانی که افلاطون به عالم مثل اشاره می‌کند تا به امروز مورد نظر فلاسفه و دانشمندان بوده است. او می‌افزاید: در نگاه لاینز مفهوم جهان‌های ممکن به صورت امروزی اولین بار توسط لایب نیتس ارائه شد. به باور او در علم خداوند بی‌نهایت جهان ممکن وجود دارد و خداوند عالم مطلق است و هم از این رو بهترین جهان ممکن را تحقق بخشیده است. بعد از او این نظریه به دور از خصلت‌های کلامی و غیر متافیزیکی مورد استقبال فلاسفه جدید قرار گرفت. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۰۱)

صفوی همچنین می‌گوید: انسان قادر است با الهام از دنیای واقعی خود جهان ممکن به وجود بیاورد که با جهانی که در آن زندگی می‌کند، کاملاً متفاوت باشد. این جهان برای او جداییت دارد و از آن

لذت می‌برد. مثلاً می‌تواند فیلمی بسازد که حیوانات در آن باهم به زبان‌های انگلیسی، فارسی صحبت می‌کنند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۰۳) مونتاژی و پیروانش با استفاده از نظریه‌ی جهان‌های ممکن، راهکارهایی را ارائه داده‌اند که به‌وسیله آن‌ها می‌توان به تحلیل عبارت‌های غیر محقق پرداخت و جهان‌های ممکن نظیر جهان رؤیاهای، امیدها، آرزوها، جهان‌های خیالی و باورها را بررسی کرد. (لاینز، ۱۳۹۱: ۳۳۰)؛ برخی از جمله نینا نورگارد (Nina Norgaard) (پژوهشگر و استادیار زبان شناسی کاربردی در دانشگاه دانمارک جنوبی) هم گفته‌اند: اصل زیربنایی جهان‌های ممکن این است که متن مجموعه‌ای از جهان‌ها را به ما معرفی می‌کند که با جهان واقعی و جهانی که به آن عادت داریم فرق می‌کند. (نورگارد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۶)؛ و اینکه متن ادبی در جهان ممکن غیر از جهان واقعیت‌های ما درک می‌شود و ما برای درک مطالب در متون ادبی باید جهان‌های ممکن آن را بشناسیم و به چگونگی پیدایش آن‌ها دست پیدا کنیم. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۲۶)؛ و البته، جهان‌های ممکن در متن یعنی جمله‌هایی که همه سازگار هستند و در آن‌ها تناقضی وجود ندارد. درواقع جهان‌های ممکن، راه‌های فرضی هستند که می‌توان آن‌ها را در تصور کردن گونه‌های دیگری از جهان واقعی به کار برد. بنابراین جهان‌های واقعی می‌توانند متفاوت از آنچه هستند، باشند. (موحد، ۱۳۸۱: ۱۰۰-۹۹)

فولادی، عالم مثال را عالم خلاقیت می‌داند و معتقد است که در ادبیات، دین و عرفان برای دریافت واقعی معنای کلمات و عبارات به ناچار باید به صورت‌های مثالی روی آورد. او هر اثر ادبی را دارای پرده‌هایی از نمایش مثالی می‌داند که برای رساندن مفاهیم و مطالب در نظر گرفته شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از این طریق خواننده و شنونده از هدف نویسنده آگاه می‌شوند و مفهوم را درک می‌کنند. (فولادی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

لایب نیتس بی‌نهایت جهان‌های ممکن را در علم خداوند تصور می‌کند و جهان واقع را بهترین جهان ممکن می‌داند که خداوند خلق کرده است و می‌گوید خداوند براساس شایستگی‌ها جهان‌های ممکن را تحقق می‌بخشد. (لایب نیتس، ۱۳۹۸: ۱۵۰)

فلاسفه‌ی بعد از او نیز تعابیری دیگر از جهان ممکن دارند. کریپکی از آن به وضعیتی دیگر از جهان نام می‌برد. (سعیدی مهر، ۱۳۹۴: ۷۸)؛ دیوید لویس بر این باور است که جهان‌های ممکن وجودی واقعی دارند و شبیه به جهان واقعی هستند، و تفاوت آن‌ها مربوط به اموری است که در هر یک می‌گذرد. پلنتیگا تحقق جهان‌های ممکن را مشروط به داشتن جامعیت می‌داند. (همان: ۱۰۱)

فیلسوفان ایرانی چون ملاصدرا (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۷۶)، فانی شیرازی (فانی شیرازی دهمدار، ۱۳۷۵: ۳۲۶)، و فاضل تونی (فاضل تونی، ۱۳۸۶: ۶۱)، ممکنات را تجلی پروردگار در پدیده‌های عالم می‌دانند. ابن سینا (ابن سینا، ۱۳۸۰: ۱۳۷، جلد یک) ممکنات را فیضان نام‌گذاری کرده است و عقیده دارد

که آن‌ها از ذات حق سرشار می‌شوند. میرداماد (میرداماد، ۱۳۷۴: ۱۲۵)، شیخ نصیرالدین طوسی (طوسی، ۱۳۷۲: ۵۶)، و مدرس یزدی (مدرس یزدی، ۱۳۷۲: ۱۸) ممکنات را حادثی می‌دانند که خود وجود ندارند بلکه وجود خود را از واجب‌الوجود می‌دانند. زبان‌شناسانی مانند کوروش صفوی نیز بر این باورند که هنجارگریزی و واقعیت‌گریزی در متون عامل پیدایش جهان‌های ممکن متن می‌شوند و آن را تأثیرگذار و جذاب می‌کنند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۲۵)

### ۳- بحث و بررسی

هریک از روش‌های منسجم و نظام‌مند برای مطالعه‌ی متون ادبی یک نظریه‌ی ادبی است. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۲۸)؛ برای تحلیل متون ادبی از روش‌های گوناگونی استفاده می‌شود. زبان‌شناسان به شش عامل: پیام، موضوع، گیرنده، فرستنده، مجرای ارتباطی و رمزگان که در ایجاد ارتباط نقش دارند پرداخته‌اند و بسته به اینکه پیام بر کدام یک از این عوامل اثربخش در ایجاد ارتباط معطوف باشد، این نظریه‌ها را نام-گذاری کرده‌اند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۳۲)؛ شکل‌گرایان روس به پیام توجه داشته‌اند و نظریه‌ی آن‌ها پیام‌مدار است و چون به فرم ظاهر و صورت پیام توجه دارند فرمالیست هم خوانده می‌شوند. گروهی به موضوع پرداخته‌اند، از این رو نقد آن‌ها را موضوع‌مدار گویند. بعضی دیگر توجه خود را به نویسنده‌ی اثر معطوف کرده‌اند و به ذهن و زندگی نویسنده‌ی اثر و چگونگی شرایط اجتماعی و تاریخی زمانه‌ی خالق اثر پرداخته‌اند، این گونه نظریه‌ها را نویسنده‌مدار یا تاریخ‌نگر گفته و به رماتیسم نسبت داده‌اند. برخی دیگر به خواننده‌ی متن ادبی چشم دوخته‌اند و به برداشت‌های او از متن استناد می‌کنند، این نظریه را خواننده‌مدار یا نقد پدیدار شناختی گویند. بعضی از این نظریه‌پردازان تمام توجه خود را به رمزگان زبان معطوف کرده و به چگونگی کاربرد زبان در القای معنی پرداخته‌اند که ایشان را رمزگان‌مدار یا ساختارگرا گویند. از میان این نظریه‌های ادبی و روش‌های نقد، دو روش یعنی نقد شکل‌گرا و نقد ساخت‌گرا مستقیماً با زبان-شناسی در ارتباط‌اند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۴۸۱)

دانشور کیان (۱۴۰۰: ۱۰۱) می‌گوید: متن‌های کلاسیک زبان فارسی شایسته‌ی ژرف‌کاوی و بازآفرینی است تا نقش سرنوشت ساز آن در تحولات و توسعه‌ی مدنی و اجتماعی آشکار شود. از این رو است که گفته می‌شود نقد ادبی و زبانی با تکیه بر دانش جهانی زبان در جهان معاصر، مهم‌ترین کاشف ارزش‌های زبان، مولد فرآورده‌های آن و پیشران توسعه در سطح ملی و جهانی است. پژوهش و نگارش این مقاله هم با اصالت‌دهی به زبان در تحلیل متن و کاوش فرامتن انجام شده و با این نگاه به بررسی جهان ممکن پرداخته است. پژوهش و نگارش این مقاله هم با اصالت‌دهی به زبان در تحلیل متن و کاوش فرامتن انجام شده و با این نگاه به بررسی جهان ممکن پرداخته است.

زیرساخت اندیشه‌ی سعدی، نیکی پندار و گفتار و رفتار (کردار) و جهان ممکن‌ی که در آثار خود ترسیم می‌کند، بر سه بنیاد دانایی، نیکویی و زیبایی است. مردمان این جهان، مردمانی نیک در اندیشه و گفتار و کردار و همواره بر مدار آفریدگار و آفرینش‌اند و چنان‌چه غفلت کنند، باز می‌گردند و پوزش می‌خواهند. جهان ممکن و پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان، داد، نیکی، عشق و مهرورزی، فروتنی، خوشنودی، خورسندی، پرورش، سپاس، بازگشت به درستی، نیایش است. در بوستان از دنیای واقعی که آکنده است از زشتی و زیبایی، تاریکی و روشنی و بیشتر اسیر تباهی و شقاوت است، کمتر سخن می‌رود. جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانی و ترسیم عالم چنان‌که باید باشد و به قول مولوی شربت اندر شربت است. (گلستان، ۱۷:۱۳۸۴)

از تحلیل علمی غلام‌حسین یوسفی، این‌گونه برداشت می‌شود که هر یک از باب‌های بوستان و گلستان سعدی حاوی جهان‌های واقع، موازی و ممکن است و به عبارتی ساده‌تر بازخورد هر باب در بوستان و گلستان، رونمایی از یک جهان ممکن است. نینا نورگارد می‌گوید: «دنیای واقعی متنی (ممکن) از طریق دنیای واقعی قابل دسترسی است. البته اگر زبانی که آن دنیا با آن توصیف می‌شود در دنیای واقعی قابل فهم باشد.» (نورگارد و همکاران، ۱۳۹۷:۱۷۹)؛ سعدی هم برای توصیف جهان ممکن ارتباط محوری که پایه‌اش نیکی است از زبانی استفاده کرده که در جهان واقع قابل درک است و سازگاری زبانی با دنیای واقعی دارد و البته تکنیک‌های زبانی و پیام‌رسان خاص خود را دارد:

همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است همه دانند مزامیر نه همچون داود (بوستان، ۱۳۸۴:۷۴۵)

اومبر تو اکو می‌گوید: هرگاه شخصیتی فکر می‌کند و یا تصمیمی می‌گیرد، جهانی در جهان روایی جوانه می‌زند. (اکو، ۱۹۸۴:۲۴۶)؛ سعدی از تعبیر زیبایی «گره بر سر بند احسان مزین» برای تأکید بر احسان کردن به دیگران نام می‌برد. این تعبیر خود درگاهی است که مخاطب را به سوی احسان به دیگران به جهانی ممکن سوق می‌دهد. او از بهانه جویانی که از نیکی کردن امتناع می‌ورزند و بر سر راه آن مانع می‌تراشند و این کارشان را توجیه می‌کنند، به «تفسیردان» تعبیر می‌کند. جهان ممکن زبان او در لفظ و معنا شکل گرفته است.

در گلستان با کلامی ساده و با نواز گفتاری و دور از تکلف از جهان‌های ممکن رونمایی شده است. سعدی در این کتاب جهان واقع را به تصویر کشیده است و در فرامتن، جهان ممکن (مطلوب و آرمانی) خود را روایت کرده است. هشت باب گلستان، روش پادشاهان و حکمرانان، اخلاق نیکان و درویشان، بی‌نیازی و قناعت، خاموشی و سکوت، جوانی، پیری، پرورش و تربیت، هم‌زیستی و صحبت در جهان واقع روی می‌دهد، لیکن در این کتاب عناصر زبانی چنان با مهارت و زیبایی در هم تنیده است که نشان می‌دهد، متعلق به جهان ممکن فراتر از برداشت‌های عادی از متن است. همان‌گونه که گفته‌اند متن ادبی

در جهان ممکن غیر از جهان واقعیت درک می‌شود. (صفوی، ۱۳۹۱: ۴۰۵) می‌توان گفت بوستان و گلستان سعدی فهرستی از بایدها و نبایدهایی است که انسان جست‌وجوگر دانایی و نیکویی و زیبایی را از جهان واقع به جهان ممکن راهنمایی می‌کند. نمونه‌هایی از جهان‌های ممکن در فرامتن بوستان و گلستان در زیر می‌آید:

### ۳-۱- عدل و دادگری

سعدی از جهانی می‌گوید که خردمندی و اندیشه‌ورزی در چاره‌جویی مسائل کشور و البته برپایی عدل و داد از بدیهیات آن است. آن جهان با الهام از کمالات آفرینش و هدایت منشأ خیر و راهبری فطرت نیک‌خواه انسان اداره می‌شود:

- نمونه ۰۱

[جهان ممکن] مسؤولیت شناسی مدیران / اصالت آسایش مردمان / کسب مشروعیت حاکمیت از

مردم]

شندیم که در وقت نزع روان	به هرمرز چنین گفت نوشیروان
که خاطر نگهدار درویش باش	نه در بند آسایش خویش باش
نیاساید اندر دیار تو کس	چو آسایش خویش جویی و بس
برو پاس درویش محتاج دار	که شاه از رعیت بود تاج دار

(بوستان، ۱۳۸۴: ۴۲)

نمونه ۰۲

[جهان ممکن] «پایش ثبات / پرهیز از ستم به هر اندازه / آموزش مدیران / ترویج دادگری با رفتار» آورده‌اند که انوشیروان عادل در شکارگاهی صیدی کباب کرده بود و نمک نبود غلامی را به روستا فرستاد تا نمک حاصل کند. گفت زینهار تا نمک به قیمت بستانی تا رسمی نگردد و دیه خراب نشود. گفتند این قدر چه خلل کند؟ گفت بنیاد ظلم در جهان [اول] اندکی بوده است و به مزید هر کس بدین درجه رسیده است.:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی	بر آورند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد	زنند لشکریان‌اش هزار مرغ به سیخ

(گلستان، ۱۳۸۴: ۷۴)

نمونه ۰۳

[جهان ممکن] «راهبرد اصالت مردم / توسعه‌ی داد و برابری در مدیریت کشور / دیرپایی حاکمیت

دادگران]

- شنیدم که خسرو به شیرویه گفت  
- بر آن باش تا هرچه نیت کنی  
- الا تا نیچی سر از عدل و رای  
- گریزد رعیت ز بی‌دادگر  
- بسی بر نیاید که بنیاد خود  
- بکنند آن که بنهاد بنیاد بد  
- در آن دم که چشم‌اش ز دیدن بخت  
- نظر در صلاح رعیت کنی  
- که مردم ز دستات نیچند پای  
- کند نام زشت‌اش به گیتی سمر  
- بکشد آن که بنهاد بنیاد بد  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۴۳)

نمونه ۰۴

[جهان ممکن « راهبرد رفاه مردمان / احترام به پیشینیان / ادامه‌ی راه درست گذشتگان ]  
اسکندر رومی را پرسیدند که دیار مشرق و مغرب به چه گرفتگی که ملوک پیشین را خزاین و عمر  
و لشکر بیش از این بوده و چنین فتحی میسر نشد. گفت به عون خدای عزوجل هر مملکت را که  
بگرفتم رعیت‌اش نیازدم و نام پادشاهان جز به نکویی نبردم.  
بزرگ‌اش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد  
(گلستان، ۱۳۸۴: ۸۵)

نمونه ۰۵

[جهان ممکن « پاسداری از جان مردمان / پرهیز از آسیب به شهروندان ]  
چو شاید گرفتن به نرمی دیار به پیکار خون از مشامی میار  
به مردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۵۲)

نمونه ۰۶

[جهان ممکن « پرهیز از تجاوز به سرزمین دیگران / پرهیز از آسیب به مردمان به بهانه‌ی پی‌گرد  
دشمنان / گرامی‌داشت آزادی و نکوهش زندان / پرهیز از حبس بی‌گناهان ]  
تنات زورمند است و لشکر گران و لیکن در اقلیم دشمن مران  
که وی بر حصاری گریزد بلند رسد کشوری بی‌گنه را گزند  
نظر کن در احوال زندانیان که ممکن بود بی‌گنه در میان  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۵۱)

#### ۲-۴- نیکی

زندگی و زیبایی‌ها و تلاش در پربارسازی و سرشار کردن لحظه‌های آن از نیکی، زمینه‌ی اندیشه‌ی سعدی در کشف جهان ممکن است:

نمونه ۰۱

[جهان ممکن « جهانی که در آن جلوگیری از نیکی و نیکوکاری غیر ممکن است. ]

گره بر سر بند احسان مزن      که این زرق و شید است و آن مکر و فن  
زیان می‌کند مرد تفسیردان      که علم و ادب می‌فروشد به نان  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۸۱)

نمونه ۰۲

[جهان ممکن و محیط زیست / آسایش حیوانات / محترم شمردن جانداران]

یکی در بیابان سگی تشنه یافت      برون از رمق در حیات‌اش نیافت  
کله دلو کرد آن پسندیده کیش      چو جبل اندر آن بست دستار خویش  
به خدمت میان بست و بازو گشاد      سگ ناتوان را دمی آب داد  
خبر داد پیغمبر از حال مرد      که داور گناهان از او عفو کرد  
الا گر جفا کردی اندیشه کن      وفا پیش گیر و کرم پیشه کن  
کسی با سگی نیکویی گم نکرد      کجا گم شود خیر با نیک‌مرد  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۸۵)

نمونه ۰۳

[جهان ممکن « اثربخشی مهربانی / ناکارآمدی خشونت / درمان‌گری بدی‌ها با احترام و بخشش /

دگردیسی دشمنان با رفتار پسندیده و تبدیل ایشان به دوست]

بخش ای پسر که آدمی زاده صید      به احسان توان کرد و وحشی به قید  
عدو را به الطاف گردن بیند      که نتوان بریدن به تیغ این کمند  
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود      نیاید دگر خبث از او در وجود  
و گر خواجه با دشمنان نیکخو است      بسی بر نیاید که گردند دوست  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۸۷)

#### ۳-۴- عشق و مهرورزی

نمونه ۰۱

[جهان ممکن « عشق انسانی / فداکاری / وفاداری / زندگی پاکیزه / در این جهان نشان داده

می‌شود که روایت پیشینیان از عشق آتشین و آسمانی عاشقان دروغ و فسانه نبوده است.]

جوانی پاکباز پاک‌رو بود	که با پاکیزه رویی در کرو بود
چنین خواندم که در دریای اعظم	به گردابی درافتادند با هم
چو ملاح آمدش تا دست گیرد	مبادا کاندرا آن حالت بمیرد
همی گفت از میان موج و تشویر	مرا بگذار و دست یار من گیر
چنین کردند یاران زندگانی	ز کار افتاده بشنو تا بدانی
که سعدی راه و رسم عشقبازی	چنان داند که در بغداد تازی
دلارامی که داری دل در او بند	دگر چشم از همه عالم فرو بند
اگر مجنون لیلی زنده گشتی	حدیث عشق از این دفتر نبستی

(گلستان، ۱۳۸۴:۱۴۸)

نمونه ۰۲

[جهان ممکن « جهان تدبیر و تسلیم / نهادینگی پندار و گفتار و کردار نیک در سرشت مردمان /

پرهیز از اتکا به سلیقه و خواست و پسند خویشتن]

تو را هر چه مشغول دارد ز دوست	اگر راست خواهی دل آرامات اوست
یکی پیش شوریده حالی نبشت	که دوزخ تمنا کنی یا بهشت؟
بگفتا مپرس از من این ماجرا	پسندیدم آنچه او پسندد مرا

(بوستان، ۱۳۸۴:۱۰۷)

نمونه ۰۳

[جهان ممکن « پیوستگی ویران‌گر غنا و نیاز / پیوستگی سازنده‌ی مهربانی و رستگاری / عینیت و

تجلی گوهر مشترک بنی آدم در آفرینش / شرط آدمیت: حساسیت به درد و اندوه و دشواری

مردمان]

بر بالین تربت یحیی پیغامبر علیه السلام معتکف بودم در جامع دمشق که یکی از ملوک عرب که

به بی انصافی منسوب بود اتفاقاً به زیارت آمد و نماز و دعا کرد و حاجت خواست،

درویش و غنی بنده این خاک دراند و آنان که غنی تراند محتاج تراند



آن‌گه مرا گفت از آن جا که همت درویشان است و صدق معاملات ایشان خاطری همراه من کنید  
که از دشمنی صعب‌اندیشناک‌ام. گفتم‌اش بر رعیت ضعیف رحمت کن تا از دشمن قوی زحمت  
نیینی.

بنی آدم اعضای یک‌دیگراند      که در آفرینش ز یک گوهراند  
چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
تو که از محنت دیگران بی غمی      نشاید که نام‌ات نهند آدمی  
(گلستان، ۱۳۸۴: ۶۶)

۴-۴- فروتنی

نمونه ۰۱

[جهان ممکن « جهان گرامی‌داشت دیگران / عاری از حرص و برتری‌جویی / اصالت خاک و  
مهجوری آتش / جهان سربلندی آدم و سرافکنندگی شیطان].

ز خاک آفریدت خداوند پاک      پس ای بنده افتادگی کن چو خاک  
حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش      ز خاک آفریدندت آتش مباش  
چو گردن کشید آتش هولناک      به بیچارگی تن بینداخت خاک  
چو آن سرفرازی نمود این کمی      از آن دیو کردند از این آدمی  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

نمونه ۰۲

[جهان ممکن « جهان انصاف و گذشت / جهان پوشاندن کاستی‌ها / جهان بازتعریف گناه].

یکی بریطی در بغل داشت مست      به شب در سرِ پارسایی شکست  
چو روز آمد آن نیک‌مردِ سلیم      بر سنگ‌دل برد یک مشت سیم  
که دوشینه معذور بودی و مست      تو را و مرا بریط و سر شکست  
مرا به شد آن زخم و برخاست بیم      تو را به نخواهد شد آلا به سیم  
از این دوستانِ خدا بر سراند      که از خلق بسیار بر سر خوراند  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۳۲)

نمونه ۰۳

[جهان ممکن « جهان بردباری و فرازآوری آستانه‌ی تحمل / جهان اصالت نیروی نرم (منطق و  
انسانیت) و بی‌اعتنایی به نیروی سخت (زور بازو و گوندگی)]

یکی از صاحب‌دلان زورآزمایی را دید به هم بر آمده و کف بر دماغ انداخته، گفت: این را چه حالت است. گفتند: فلان دشنام داداش. گفت: این فرومایه هزار من سنگ برمی‌دارد و طاقت سخنی نمی‌آرد.

اگر خود بر دَرَدِ پیشانی پیل      نه مرد است آن که در وی مردمی نیست  
بنی آدم سرشت از خاک دارد      اگر خاکی نباشد آدمی نیست  
(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

نمونه ۰۴

[جهان ممکن « جهان ارج‌گذاری به فروتنی / جهان مراقبت و رشد / جهان هم‌افزایی هوشمندی و خردورزی و فروتنی / جهان بازتعریف مفهوم بلندی و پستی و نیستی و هستی. ]

یکی قطره باران ز ابری چکید      خجل شد چو پهنای دریا بدید  
که جایی که دریا است من کیستم؟      گر او هست حقا که من نیستم  
چو خود را به چشم حقارت بدید      صدف در کنارش به جان پرورید  
سپهراش به جایی رسانید کار      که شد نامور لؤلؤ شاهوار  
بلندی از آن یافت که او پست شد      در نیستی کوفت تا هست شد  
تواضع کند هوشمند گزین      نهد شاخ پُرمیوه سر بر زمین  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

۴-۵- خورسندی و بی‌نیازی

نمونه ۰۱

[جهان ممکن « جهان انصاف و بی‌نیازی (قناعت) / جهان درهم‌تنیدگی قناعت و توانگری / جهان شکیبایی حاصل و دست‌آورد حکمت است. ]

خواهنده‌ی مغربی در صفِ بَزَّازانِ حلب می‌گفت: ای خداوندانِ نعمت، اگر شما را انصاف بودی  
و ما را قناعت، رسمِ سؤال از جهان برخاستی.  
ای قناعت توانگرام گردان      که و رای تو هیچ نعمت نیست  
کنج صبر اختیارِ لقمان است      هر که را صبر نیست حکمت نیست  
(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۰۹)

نمونه ۰۲

[جهان ممکن « جهان خداشناسی و معرفت و بی‌نیازی / جهان بی‌نیازی و توان‌گری / جهان اندازه و اعتدال / جهان قناعت و فرصت کسب معرفت / جهان معنی‌گرایی و پرهیز از تن‌پروری ]

خدا را ندانست و طاعت نکرد      که بر بخت و روزی قناعت نکرد  
قناعت توان‌گر کند مرد را      خبر کن حریص جهان‌گرد را  
خنک نیک‌بختی که در گوشه‌ای      به دست آرد از معرفت توشه‌ای  
به اندازه خور زاد اگر مردمی      چنین پر شکم آدمی یا خمی  
درون جای قوت است و ذکر و نفس      تو پنداری از بهر نان است و بس  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۴۵)

نمونه ۰۳

[جهان ممکن « جهان همت و جوان‌مردی / بی‌اعتنایی مردمان به خداوندان قدرت و ثروت /  
جهان نان از عمل خویش خوردن / جهان زیر منت غیر خدا نرفتن ]  
حاتم طایی را گفتند: از تو بزرگ‌همت‌تر در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟  
گفت: بلی! روزی چهل شتر قربان کرده بودم امرای عرب را و خود به گوشه‌ی صحرا [به حاجتی]  
بیرون رفتم، خارکنی را دیدم پُشته فراهم نهاده. گفتم: به مهمانی حاتم چرا نروی که خلقی بر سماط  
او گرد آمده‌اند؟ گفت: هر که نان از عمل خویش خورد      منت حاتم طایی نبرد  
من او را به همت و جوانمردی از خود برتر دیدم. (گلستان، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

نمونه ۰۴

[جهان ممکن « جهان اعتماد به نفس / جهان آزادگی از بند تعلق و وام‌داری ]  
یکی را ز مردان روشن ضمیر      امیر ختن داد طاقی حریر  
ز شادی چو گلبرگ خندان شکفت      نپوشید و دستش بیوسید و گفت  
چه خوب است تشریف میر ختن      و از او خوب‌تر خرقة‌ی خویشان  
گر آزاده‌ای بر زمین حسب و بس      مکن بهر قالی زمین بوس کس  
(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۴۵)

۴-۶- نیایش/ستایش/سپاس

نیایش شیوه‌ی ارتباط با پروردگار و گفت و گو با او است. نیایش و ستایش و سپاس امتیازهای  
ویژه‌ی انسان برای باریافتن در دنیای ممکن است.

نمونه ۰۱

[جهان ممکن « جهانی که عمل به وظیفه طاعت است و سپاس‌گزاری موجب افزونی / جهان  
جریان سپاس و قدرشناسی در موی‌رگ‌های آدم و لحظه‌های حیات.]

مَنْتِ خدای را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود مُمَدِّ حیات است و چون بر می‌آید مُفَرِّحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که بر آید      که از عهده‌ی شکرش به در آید

(گلستان، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

نمونه ۰۲

نفس می‌نیارم زد از شکر دوست	که شکری ندانم که در خورد اوست
عطایی است هر موی از او بر تن‌ام	چگونه به هر موی شکری کنم؟
ستایش خداوند بخشنده را	که موجود کرد از عدم بنده را
که را قوت وصف احسان اوست؟	که اوصاف مستغرق شأن اوست
بدیعی که شخص آفریند ز گل	روان و خرد بخشد و هوش و دل

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۷۱)

نمونه ۰۳

خدایا به عزّات که خوار ام مکن	به دُل گنه شرمسار ام مکن
گر ام بر سر او فتد ز تو سایه‌ای	سپهر ام بود که‌ترین سایه‌ای
چراغ یقین‌ام فراراه دار	ز بد کردن‌ام دست کوتاه دار

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۹۷)

به نام خدایی که جان آفرید	سخن گفتن اندر زبان آفرید
خداوند بخشنده دستگیر	کریم خطابخش پوزش پذیر
عزیزی که هر که از درش سر بتافت	به هر در که شد هیچ عزت نیافت

(بوستان، ۱۳۷۵: ۳۳)

نیایش و قدرشناسی، چستی انسان را به او یادآوری می‌کند که هستی او و نیروی اندیشه و سخن او مرهون لطف و عنایت خداوند است.

#### ۴- نتیجه

در هر متن ادبی، ما با جهان‌های ممکن‌ی سروکار داریم که به تدریج از جهان‌های واقع اطراف‌مان فاصله می‌گیرند. از این رو فاصله‌ی درک روی‌داد (سوژه) میان جهان ممکن تا جهان واقعیت آن‌قدر کم است که ممکن است تصور شود در جهان واقع، روی داده است. در متن باید در جهان ممکن‌ی به

درک برسیم و آن جهان ممکن از شرایطی برخوردار باشد که بتواند آن مفاهیم جهان واقع را در بر بگیرد.

هر متن ادبی قرار است ما را به جهان ممکنی ببرد که از جهان واقع فاصله دارد، لیکن این فاصله آن قدر اندک است که می‌توان از همین فاصله‌ی اندک بهره گرفت و جهان واقع را تا آستانه‌ی جهان ممکن و زیست در جهان ممکن پیش برد. این خود، شگردی در آفرینش متن ادبی است.

نقطه‌نظرهای لایب‌نیس، کریپکی و پلاتینگا که از فلسفه‌ی عرفانی افلاطون الهام گرفته‌اند، به آنچه در نظریه‌های نظریه‌پردازان ایرانی مانند کوروش صفوی درباره‌ی جهان‌های ممکن می‌دانیم نزدیک است. نتیجه‌ی این آمیختگی و تقارن این است که ما جهان واقع را فرصت رهیافت به جهان ممکن می‌دانیم. رهیافتی که یکی از اصلی‌ترین هدف‌های آفرینش است.

بوستان و گلستان از برجسته‌ترین نمونه‌های متن ادبی برای رهیافت جهان ممکن از راه درک درست جهان واقع است.

#### منابع

- اثره‌ای، محمد علی و معین، امراله، (۱۳۸۷) اختیار و جهان‌های ممکن از دیدگاه لایب‌نیس، **پژوهش‌های فلسفی** نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز سال ۵۱، پاییز و زمستان ۸۷ شمارهٔ مسلسل ۲
- اکو، اومبرتو (۱۳۵۷). نقش خواننده در بررسی حالات استعاره‌ی متن، انتشارات دانشگاه ایندیانا.
- بامشکی، سمیرا، ۱۳۹۵، جهان‌های موازی و معنی‌شناسی روایت، فصل‌نامه **نقد ادبی**. سال ۹. شماره ۳۴
- بامشکی، سمیرا، ۱۴۰۰، معنی‌شناسی روایت، منطق موجهات و جهان‌های ممکن داستانی، **جستارهای زبانی**، دوره ۱۲. شماره ۱. پیاپی ۶۱
- پاینده، حسین، ۱۳۹۷، «**نظریه و نقد ادبی**»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران
- حاج ابو کهکی، زینب، شیبانی اقدم و گذشتی، محمدعلی (۱۳۹۸) دنیا‌های محتمل در ساختار روایی مثنوی معنوی (داستان دژ هوش ربا)، **ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی**، سال ۱۵، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸
- دانشور کیان، علی، امامی، سهیلا، دانشور کیان، امیرحسین، بیان هنری در ساخت غزل سعدی، فصلنامه علمی پژوهشی **کیمیای هنر**، سال هشتم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۸-

- دانشور کیان، علی، طرح و تصویر در شعر نیما یوشیج، پژوهش‌نامه‌ی **مکتب‌های ادبی**، دوره‌ی ۵، شماره ۱۶، زمستان ۱۴۰۰
- راغبی، کاظم، محمدرضایی، محمد (۱۳۹۸). بررسی استدلال جهان‌شناختی جدید بر مبنای جهان‌های ممکن و اصل جهت کافی، دو فصلنامه علمی پژوهشی **تأملات فلسفی** دانشگاه زنجان، سال نهم، شماره ۲۳، صص ۱۱-۴۲
- سبحانی، علی‌رضا و گلشنی، مهدی، (۱۳۹۳) تک‌جهانی یا چندجهانی از نظر برخی اندیشمندان مسلمان متقدم، **فلسفه علم**، نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳
- سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح (۱۳۸۴)، «**بوستان**»، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، چاپ هشتم، تهران، خوارزمی.
- سعدی شیرازی، مشرف‌الدین مصلح (۱۳۸۴)، «**گلستان**»، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، چاپ هشتم، تهران، خوارزمی.
- سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۸۳). جهان‌های ممکن. بررسی دیدگاه سول کریپکی، الوین پلنتینگا و دیوید لوئیس. **نامه مفید**، تیر ۱۳۸۳، دوره ۶ شماره پیاپی ۴۱
- سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۹۴). «**ضرورت، دلالت و جهان‌های ممکن**». انتشارات علمی فرهنگی.
- صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۳۸۷)، «**مبانی اندیشه‌های فلسفی**»، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۴۰۰)، «**فلسفه لایب‌نیتس**»، تهران: ققنوس، چاپ سوم.
- صفوی، کورش (۱۳۹۴)، «**از زبان‌شناسی به ادبیات**»، دوره دو جلدی، تهران: سوره مهر.
- صفوی، کورش (۱۳۹۹)، «**آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادبی**»، تهران: علمی، چاپ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۰)، «**اصول فلسفه و روش رئالیسم**»، مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری، ج ۱، تهران: صدرا.
- غلام‌پور آهنگر کلاهی، لیلا، طاووسی، محمود، اوجاق علی‌زاده، شهین، منطق الطیر و موضوع سفر در زمان یا سفر در جهان‌های موازی در فیزیک نوین، **دوفصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء**، سال ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷
- فولادی، علی‌رضا (۱۳۸۹)، «**زبان عرفان**»، تهران: سخن/قم: فراگفت.
- کریپکی، سول (۱۳۹۹)، «**نام‌گذاری و ضرورت**»، ترجمه کاوه لاجوردی، انتشارات: علمی و فرهنگی.

- لایب نیتس، گوتفرد ویلهلم (۱۳۹۸)، «**مونادولوژی**»، ترجمه‌ی یحیی مهدوی، تهران: خوارزمی.
- لاینز، جان (۱۳۹۱)، «**درآمدی بر معنی‌شناسی زبان**»، ترجمه‌ی کوروش صفوی، تهران: علمی، چاپ اول.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۱)، «**منطق موجّهات**»، تهران: هرمس، چاپ اول
- نورگارد، نینا و همکاران (۱۳۹۷)، «**فرهنگ سبک‌شناسی**»، ترجمه‌ی احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمند، تهران: مروارید، چاپ دوم.
- هابز، انجی (۱۳۹۸)، «**جمهور افلاطون**»، ترجمه‌ی ابوالفضل حقیری قزوینی، چاپ اول، تهران: نشر علم.

## Possible World(s) in Saadi's Language

Ali Daneshvar Kiyan<sup>1</sup> 

Goharshad Bouzarjomehr<sup>2</sup> 

DOI: 10.22080/rjls.2024.27238.1477

In this world, talking about things that are or have been, such as the galaxy, the ocean, Karim-Khan, etc., we wonder about the things that we know but are not or have not been around us. Rostam, Superman, Mount Qaf and beliefs that were once considered to be true, such as the wrath of the gods and the rotation of the earth around the sun, are now deemed to be false. During the twenty-six centuries since the world of Plato's theory of ideas, the thinking man has always been pondering upon the idea of possible worlds. The current form of the Possible Worlds Theory relies on the opinions of the German philosopher Leibniz in the 17<sup>th</sup> century and his followers, like the American philosopher Saul Kripke, who posit that a possible world can be created in the periphery of the actual world. This article tries to find a way toward the possible world(s) hidden in the metatext by analyzing the texts and exploring the real world of Saadi's thought in Bustan and Golestan. Indeed, the possible world(s) that rationalists, thinkers, and sages believe in and lead the society to, have been and are on the path of history.

**Keywords:** Possible worlds, Actual world, Saadi, Bustan, Golestan

### Extended Abstract

#### Introduction

In this world, talking about things that are or have been, such as the galaxy, the ocean, Karim-Khan, etc., we wonder about the things that we know but are not or have not been around us. Rostam, Superman, Mount Qaf and beliefs that were once considered true, such as the wrath of the gods, are now deemed to be false. During the twenty-six centuries since the world of Plato's theory of ideas, the thinking man has always been pondering upon the idea of possible worlds. The current form of the Possible Worlds theory relies on the opinions of the German philosopher Leibniz in the 17<sup>th</sup> century and his followers like the American philosopher Saul Kripke, who posit that a possible world can be created in the periphery of the actual world. This article tries to find a way toward the possible world(s) hidden in the metatext by analyzing the texts and exploring the real world of Saadi's thought in Bustan and Golestan. Indeed, the possible world(s) that rationalists, thinkers, and sages believe in and lead the society to, have been and are on the path of history. As such, this study intends to explore

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran. Corresponding author: daneshvarkiyani@ut.ac.ir

<sup>2</sup> Ph.D. student of Persian language and literature, University of Tehran - Kish International Campus.



Saadi's language through discovering his possible worlds to establish the relationship between the literary text and the actual world. To do so, we examine the ideas of two different groups of scholars as well as the approach of some of Iranian philosophers regarding the theory of the possible worlds. In addition, we briefly present the similarities between their assertions regarding the theory of Possible Worlds.

### **Research Methodology, Questions, and Theories**

In this analytic-descriptive research which uses library and online resources for in-depth textual analysis of Golestan and Bustan, we aim to answer the following questions:

1. What is a possible world and how is it related to the actual world?
2. What is the historical background of Possible Worlds Theory? How is its reception now?
3. How can one be transported from the actual world to an inaccessible possible world and why is this process so captivating?
4. Is the text – here Bustan or Golestan – an actual world or a possible one?

There are also the following theories that form the premises of our discussion:

1. Poetic language is understood in a possible world, not the actual world.
2. Framing and semiotic choices can affect the reader's transport from the actual world into the possible world.
3. Semantic deviation is a factor in recognizing the point that understanding happens in a possible world distinct from the actual world surrounding us (Safavi 1399: 425).

### **Conclusion and Findings**

In each literary text, we deal with possible worlds that gradually get away from the actual world which surrounds us. Therefore, the interval between understanding the happening (subject) between the possible world and the actual world is so short that we might conclude that the event occurred in the actual world. In the text, we need to reach understanding in a possible world which has the necessary qualifications to accommodate the concepts of the actual world.

In this sense, each literary text is supposed to take us to a possible world placed at a distance from the actual world we inhabit. This distance, however, is so little that one can benefit from it to advance the actual world to the threshold of the possible world and the possibility of existence in it, which is indeed a trick in creating a literary work.

Leibniz's approach to Possible Worlds Theory, which is inspired by Plato's philosophy, and Kripke's and Plantinga's assertions in this regard are closer to the approaches of Iranian theoreticians like Kourosh Safavi



regarding the possible worlds. The result of such blending is that we consider the actual world as an opportunity to access the possible world, which is a main reason for creation of such worlds. Bustan and Golestan are two of the most prominent literary texts to access the possible world through proper understanding of the actual world.